جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

شنبه ■ ۱۱ تیر ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۲۵۱

پیگیری حقوق بشر علیه بشر روی موج رادیو

۸

سرودهای «هم‌آهنگ» برای جوانان امروز

برنامه‌ای با نگاه تازه به جریان سرودخوانی کشور در راه آنتن است

چند سالی است برنامه‌های تلویزیونی که سعی دارد در قالب رقابت، توانایی شرکت‌کنندگان را در رشته‌های گوناگون بسنجد، بیش از پیش شده است ...

۶

در گفت‌وگوی «جام جم» با سعید مقیسه، رئیس ساترا بررسی شد

پلتفرم امن فرهنگی، نیاز امروز جامعه

۱۰

زهرا داوودنژاد، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با «جام جم»

بازیگری، منبع درآمدی ناامن است

۷

در نشست گفت‌وگو با عوامل فیلم «هناس» در «جام جم» مطرح شد:

هناس؛ صدای مظلومیت شهدای هسته‌ای

۹

ساخت یک مجموعه مستند درباره شهید بهشتی

۷

عروج مهاجر سرزمین آفتاب

کونیکو یامامورا، مادر شهید بابایی دیروز دار فانی را وداع گفت

۱۱

علاوه بر فروش فیلم‌ها و مجموعه‌های ایرانی

سریال‌های پرمخاطب سوری را دریابید

۱۱

«جام جم» آسیب‌ها و راه‌های کاهش طلاق توافقی را بررسی می‌کند

توافق باخت - باخت!

۱۲

یادداشت

بازیگری به مثابه بازیگری

شهرام پوراسد
بازیگر تلویزیون و سینما

برای من بازیگری به مثابه بازیگری است؛ یعنی دوست دارم از میان فیلمنامه‌های پیشنهادی، بهترین‌ها را انتخاب کرده و ایفای نقش کنم تا حداقل از نظر روانی خیالم راحت باشد که کار درست را انجام داده‌ام.

بازیگری آن قدر حرفه حساس و مهمی است که اگر بتوانیم همان نقش‌های پیشنهادی را به طور درست و صحیح و شایسته ایفا کنیم، می‌توانیم نظر مخاطب را جلب کنیم و از این شاخه به آن شاخه نپریم.

زمانی بود که از میان ۱۰ فیلمنامه‌ای که می‌خواندم، چهار فیلمنامه درگیری نسبی برایم ایجاد می‌کرد و در نهایت برای بازی در یکی از آنها جواب مثبت می‌دادم ولی حالا کار به جایی رسیده که از میان ۱۰ فیلمنامه، ۹ فیلمنامه را قطعا رد می‌کنم.

بازاری نوشتن بدجوری فیلمنامه نویسان را گرفتار کرده و دردسرساز شده است. شاید اگر اندکی وقت بیشتری بر فیلمنامه بگذارند و بر شخصیت پردازی و ایجاد موقعیت‌های جذاب داستانی تامل کنند یقینا نتیجه بهتری عاید خواهد شد ولی فعلا که اوضاع بروفق مراد نیست.

همکارانی هستند که دوری از بازیگری را فرصتی دانسته‌اند و سراغ وادی‌هایی مانند کارگردانی و تهیه‌کنندگی رفته‌اند اما شخصا این اجازه را به خودم نمی‌دهم که به وادی‌های دیگر وارد شوم چون دغدغه اول و آخرم بازیگری است. البته تجربه کارگردانی در تئاتر را دارم که آن هم فقط تجربه بود و بس.

به گمانم اگر هر کدام از ما کاری که در آن تخصص داریم را انجام دهیم و در آن جلو برویم خیلی بهتر از آن است که شاخه به شاخه بپریم و چون در شاخه اصلی‌مان کم کار می‌کنیم برویم سراغ شاخه‌ای دیگر.

همان بحث نزول فیلمنامه‌ها شاید یک دلیلش این باشد که هر کسی به خودش اجازه می‌دهد فیلمنامه بنویسد. اگر فیلمنامه‌نویسی را به عنوان حیطه تخصصی مورد تمرکز قرار دهند و در آن پیش بروند، قطعا اوضاع بهتر خواهد شد. یعنی فیلمنامه‌نویسی را جدی بگیرند و به ارتقای کیفیت کاری خویش فکر کنند تا کم‌کم شاهد رشد متن‌های تلویزیونی و سینمایی باشیم.

اگر حرفه‌ای فکر و عمل کنیم درصد موفقیت بالا می‌رود چون در هر شاخه‌ای اگر اصول حرفه‌ای را حاکم نکنیم سخت بشود به موفقیت رسید و این‌که فکر کنیم حالا چون بازیگریم باید حتما سالی چند بار جلوی دوربین برویم، درست نیست.

مشی بازیگران ماندگار همین بوده یعنی درست و بجا انتخاب می‌کردند که ایفای نقش‌های آنها ماندگار می‌شد و حتی اگر چند سال کار نمی‌کردند، باز هم کارهای قبلی شان عامل ماندگاری آنها بود. امید که همه بازیگران بتوانند چنین عمل کنند.

عمق میدان

ما در چه وضعیتی هستیم

مدرنیته‌ای که انسان را برده شیطان می‌خواهد

بخش سوم

میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

در بخش پیشین این مطلب، گفتیم که در مسیر تغییر، دو رهزن وجود دارد: اول تغییرخواهی انقلاب اسلامی را همان انقلاب مهدی وموعود وانمود کردن و دوم این انقلاب را یکسر بی‌ارتباط با ولایت امام زمان (عج) به حساب آوردن. و بازگفتیم که وقتی امام به تبع هدایت قرآن و عترت و در مسیر تغییر موعود عج از تغییر حرف می‌زند، این تغییر با انواع تغییرخواهی مدرن و متحجر متفاوت و اجرای سرپرستی و سربازی امام زمان در عصر غیبت است چراکه موافقان تغییر گوناگونند و حتی در مدافعان مدعی انقلاب اسلامی یک نگاه و محتوای انضمامی، فراتر از کلیات رهزن، وجود ندارد. اینک ادامه بحث.

حرف اصلی آن است که انواع مخالفان راه امام (ره) از بیان حقیقت تغییری که امام (ره) در پی آن بوده و شناخت امانت‌دارانه اصول آن سرباز می‌زنند. این ایدئولوژی کافرانه می‌خواهد به جای تغییر تکاملی، عادلانه و حق‌طلبانه، بشریت دچار تغییر شیطانی معکوس و نفس حریص به سوی دوزخ شود. تکلیف امام برافراشتن پرچم توحید و تغییر اسلامی برای ممانعت از گمگشتگی و بد سرانجامی انسان و جامعه انسان و ملت مسلمان و جهان مستضعف بود تا نگذارد به معنای شیطانی و فریب‌آمیز تغییرالحادی ومدرن تسلیم گردیم.

هم انقلاب تغییر الهی از ظلمات به نور و از گناه به توبه و هم تغییر الحادی و شیطانی و کافرانه و آشوبزا، به اندازه تاریخ آفرینش سابقه دارد. قصص قرآن برای سرگرمی نیست بلکه عبرت و سرمشق است که از ماجرای آدم این دو تغییر و نتیجه هریک بازخوانی شده و همه تاریخ بشر را در نوردیده، این کتاب گشوده برابر ماست برای آگاهی و گم نشدن! ندای تغییر و انقلاب امام خمینی برای دعوت به انتظار تغییر وعده داده شده الهی و امام زمانی جزئی از همین تغییرطلبی نبوی پیروان انبیا و در حقیقت مذهب انتظار و تشیع علوی دین ناب محمدی است.

تغییر طلبی امام که استوار است بر پیوستگی تغییر جان فرد و جان جامعه و جان جهان، تأکید دارد که تغییر زندگی بیرونی فرد و جامعه و جهان ممکن نیست مگر درون و باطن فرد و قوم و جهان تغییر یابد و به عبودیت رو کند و از شرک و کفر و نفاق خود را پاک کند. اصلاح رابطه انسان با خدا شرط رفع بحران است و همه جهاد و تلاش و انقلاب امام فراهم آوردن زمینه این معرفت و عمل بوده است و در عهد غیبت، انقلاب اسلامی مجالی برای امر به معروف و نهی از منکر و فرصتی برای رهایی از نفس سوء و شیاطین، برای این تغییر و آماده شدن برای سربازی امام زمان با تزکیه جان فرد و اجتماع و نفی سلطه طاغوت بوده است.

تغییر طلبی مشخصی که امام بر طبل عبث بودن آن کوبید، از تغییرات رنسانس شروع شد. ماجرا پیش‌تر از جهان اسلام که بعد به وسیله جهان مسیحیت همان شیوه عاصی ادامه یافت، شکل و جان وجهان گرفت. منظورم ترک تغییر با فرماندهی اهل‌البیت (ع) به‌وسیله امت اسلام و سکوت امت برابر غصب و تهی کردن معنای اصیل تغییر الهی و تداوم عمل ظالمانه، سلسله‌های غاصب اموی و عباسی ورواج تمدن فرعونی و بحران حاصل از این پشت کردن به حقیقت ایمان و عالم غیب است. بالاخره الگو شدن همین تمدن طی جنگ‌های صلیبی و افول تمدن نمرودی در جهان اسلام و آغاز رکود بزرگ و سر برآوردن تغییرطلبی اروپایی در تقابل با ظلم فئودالیسم و یهودیت و مسیحیت کلیسایی اشرافی و زمیندار و منحرف وحشی و رویکرد این تغییرطلبی در وضعیت سرگشتگی و بی رهبری به سوی الحادگرایی یونان باستانی و تغییرات پی در پی آگاهی غربی در قلمرو فرهنگ و فلسفه و علوم اجتماعی و علوم طبیعی و شیوه کار و تولید در این مسیر و تعطیل روزافزون دین و عقل الهی بتدریج و جانشینی تفکر سرکش و خود بنیان انگار و جدا از وحی در قرون بعد و رشد علوم طبیعی و فیزیکی و اجتماعی با تفسیر روز افزون به سوی حذف دستورات الهی در زندگی اجتماعی و بنا نهادن نظامی خودبنیان و پرستنده بت انسان و علم و اجتهاد رأی انسان. دستاوردهای علمی و فلسفی قرن شانزدهم و هفدهم، نیروی عظیمی شد برای این تغییر اومانیستی و روشنگری قرن هجدهم. این نگاه فلسفی و رشد علوم فیزیکی و اجتماعی و تحولات در عرصه تولید و تجارت و تکنولوژی و صنعت، تغییر انقلابی پایان قرن هجدهم و مدرنیته سکولار و لاییک را رقم زد. دکارت به هابز و نظریه‌های دولت پیشا مدرن و به غول فلسفه مدرن کانت و نگرش پوزیتیویستی و ظهور بزرگان تحول خواهی مدرن، و به ولتر و روسو و بعد به اصحاب الحادگرای دائره‌المعارف وبه تغییر بزرگ انقلاب‌های آمریکا و فرانسه و انقلاب صنعتی انگلیس و تغییرات بیسمارکی آلمان پیوست و استقرار تحول صنعتی و سیاسی و فرهنگی تمدن مدرن اما رویای سعادت بر اثر این تغییر وهم بود.

گویی بنای خدا آن بود که تا قرن بیست و یکم مدرنیته، از همه نیروهایی که خداوند به انسان اهدا کرد، سود جوید تا نشان دهد با مغزی عاصی ولو توانا به کاربرد بیشترین قدرت‌های فکری خداداد نمی‌تواند از بحران وجودی حاصل از گسست از حقیقت ناب الهی رهایی یابد و هر تغییری برای کسب لذات نفسانی به شکست و ویرانی بدل می‌شود زیرا تغییر مدرن و مدرنیت کافرانه در جنگ شیطانی با خدا، انسان را برده قدرت جهانی شیطان و نفس ابلیسی و فرعون عصر و طاغوت متکبر می‌خواهد.

ضرورت استقلال از کفر

ندای امام تغییر این وانموده تغییر موهوم و هلاکت بار شیطانی به سود تغییری کمالی و الهی و باور توحید و ربوبیت خدای یگانه وجهان غیب و ولایت بود. تغییر حقیقی تنها حاصل عبودیت خالصانه است و همه نیروهای شیطانی دست به دست هم دادند تا راه تغییر اصیل امام تحقق نیابد اما مکر خدا بر هر مکری فایق می‌آید و آمد!

شکل معین ظهور خداستیزی و اغوای شیطانی امروز کدام است؟ باید گفت از مصداق‌های سرکشی علیه حق و پذیرش حرکت و تغییر حقانی اسلام، همین عصیان‌گری مدرن‌گرایی اقشار غربزده است که قبله‌شان تفسیر تغییر به مثابه مدرن شدن است و منافع ایدئولوژیک و مادی در اصرار بر این جهل دارند و حاضر نیستند بپذیرند امروز عینا مدرن‌گرایی الحادی و گسست از توحید در ایران، به معنای پذیرش بندگی کفر محارب با حق و وضعیت پیرامونی و مداخلات کشورهای سلطه جو در همه شؤون زندگی ما و تغییر در مسیر ظلمات و نظام ظالمانه سرمایه‌داری بیرحم است

حالا می‌توان فهمید چرا امام تا حد ممکن بر تغییر اراده‌ها و استقلال از کفر تأکید داشت و ما را به شناخت عمیق و قرآنی انواع کفر و مناسبات آگاهانه برابر کفر محارب و شیطان بزرگ همچون گرگ دعوت می‌کرد و افراد جاهل که فاقد دیده‌وری بودند برعکس راه چشم دوختن به ترحم درندگان را پیشه کرده نظر امام بصیر و سمیع را دور می‌زدند. چنان که همین معامله را با آقای خامنه‌ای می‌کنند! البته روی دیگر انحراف را باید در تمام سیستم فاسد قشر ممتاز جست‌وجو کرد که ظاهرا مخالف کفر و رفرمیسم غربگرا ولی بدتر از آن است زیرا با نقاب مدافع راه امام به تکاثر و اسراف و سوءاستفاده حرامخوارانه از انقلاب اسلامی مشغول است و مایه انزجار عمومی را فراهم می‌آورد.

برش

حرص قدرت و منافع نفسانی

چرا قدرت‌های جهانی و طالب تغییرات شیطانی و نیروهای گوناگون داخلی پیرو شیاطین، برای چنین تحریفی از معنای تغییر می‌کوشند و راه امام و معنای تغییر در این راه را انکار می‌کنند؟ علت دوتاست: حرص مستکبرانه قدرت و منافع جاهلانه نفسانی، چه عینی و چه ذهنی. کبر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی و جداشدن از تقوا و عمل به هدایت قرآن در هر عمل کوچک و بزرگ و حرامخواری و پیروی از منابع علم مدرن کافران و رها کردن تمسک به قرآن و عترت، سست ایمانان مسحور تمدن غرب را به اینجا می‌کشاند که به صف متحد استکبار جهانی و تغییر موهوم مدرنیته تن دهند اما امام برای شکستن همین هیمنه و ابهت کفر قدرت مدرن و رفع کوری سحرزدگان و هدایت مردم به سوی راه راست ایمان به وعده الهی افراشتن پرچم حقانیت و ایمان به غیب و مهدی موعود و حاضر و منتظر(عج) قیام کرد و تغییری که او طلب می‌کرد این تغییر حقیقی بود که با قیام برای خدا و انقلاب اسلامی در جهان طنین‌افکن شد و میلیون‌ها انسان را بیدار کرد و در ایران و فلسطین و افغانستان و پاکستان و عراق و لبنان و یمن، خفتگان بلکه مردگان را به رستاخیز فرا خواند.